

بیمه تعاونی «تبادلی» بیمه درمانی و جایگزین شایسته بیمه

(قسمت پایانی)

عبدالحلیم قاضی

نمایندگان آنان اداره می‌شود و هر کدام از اعضا در آن واحد بیمه‌گر و بیمه‌گزار می‌باشد.^(۱)

در صحت و جواز این نوع بیمه فی نفسه بین علما اختلافی نیست، چون هر کدام از اعضا با رضایت و طیب خاطر خود مبلغ مذکور را برای تشکیل سرمایه این بیمه می‌پردازند تا در صورت نیاز به افراد و اعضای نیازمند پرداخت گردد، خواه این نوع بیمه دریایی باشد یا بیمه زمینی و یا بیمه حوادث و یا بیمه اضرار، در صورتی که از ربا خالی باشد جایز است.

خود بیمه فی نفسه حرام نیست، بلکه حرمت آن به خاطر ربای موجود در آن می‌باشد و این معلوم است که ربا در هر چه داخل شود آنرا حرام می‌گرداند.^(۲)

اما علامه دکتر عبداللطیف فرفور قایل به جواز باکراهت تحریمی آن، یا جواز باگناه می‌باشند.

رأی مجامع فقهی جهان اسلام در مورد «بیمه تعاونی» (Mutual insurance)

همه علمای جهان اسلام و اعضای مجامع فقهی بر جواز بیمه تعاونی اتفاق نظر داشته و به آن فتویٰ داده‌اند. و اسامی آنها در پاورقی آمده است.^۱

۱- ابحات فی الاقتصاد المعاصر، الفرفور: ۵۱

۲- ابحات فی الاقتصاد المعاصر، الفرفور: ۵۴

۱- اسبوع الفقه الثانی، دمشق در سال ۱۹۶۱ میلادی، معروف به

سالگرد یادبود ابن تیمیه،

۲- مؤتمر العلماء الثانی، منعقد در قاهره سال ۱۳۸۵ هـ

الحمد لله الذي رفع معالم العلم، وجعل ديننا ديناً سمحاً سهلاً، ووضع عنا الحرج والمشقة، والصلوة والسلام على أفضل الأنبياء والمرسلين محمد البشير الأمين الذي بعث بالحنيفية السهلة السمحة البيضاء، وعلى آله وصحبه وسلم، وبعد:

در این نوشتار مختصر پیرامون دو نوع بیمه بحث می‌شود.
۱- بیمه تعاونی «تبادلی» ۲- «بیمه درمانی». و جایگزین شایسته بیمه.

بیمه تعاونی «تبادلی» (Mutual insurance)

این نوع بیمه بدین صورت شکل می‌گیرد که گروهی از افراد آسیب‌پذیر جمع شده و تشکیل یک صندوق خیریه را می‌دهند و هر کدام مبلغ معینی به عنوان تبرّع و کمک به این صندوق واریز می‌کنند تا در موقع بروز خطر و حادثه به افراد آسیب دیده پرداخت شود تا ضرر وارده از او دفع شود یا حداقل اثر را آن تخفیف داده و از بار غم او کاسته و مرهمی بر قلب او بگذارد. و اعضای صندوق حق استرداد مازاد از مقدار ضرر را دارند. و در صورت کمبود نقدینگی موجود در صندوق، از اعضای صندوق درخواست می‌شود که سهم خود را به صندوق پرداخت کنند، و ناگفته نماند که قصد و انگیزه اعضا از ایجاد این نوع بیمه بدست آوردن سود نبوده، بلکه معاونت دیگران بر تحمل مصیبت و یا تخفیف آن باشد. و این شرکت بیمه بوسیله اعضا و یا

«و يجوز التأمين الاجتماعي و التأمين التعاوني لقيامه على التبرع، والتعاون على البر و الخير و الاحسان المحض من غير معاوضة»^(۱).

«اما التأمين التعاوني بين فئة من الناس، فهو جائز شرعاً، لأنه، عقد من عقود التبرعات، و من قبيل التعاون المطلوب شرعاً على البر و الخير، لأن كل مشترك يدفع اشتراكه بطيب نفس لتخفيف آثار المخاطر و ترميم الأضرار التي تصيب احد المشتركين الخ»^(۲).

ویژگی بیمه تعاونی

۱- ویژگی بیمه تعاونی در اینست که اعضای آن قصد استثمار و سودکشی را ندارند، بلکه قصد و انگیزه آنان تخفیف و کاهش خسارات وارده بر یکی از اعضای مصیبت دیده می باشد. و باز این شرکت هم بوسیله اعضا آن اداره می شود.

۲- با پرداخت سهم تعیین شده، هر کدام از اعضا هم خود و هم دیگران را بیمه و حضانت می کند. و تعهد وجدانی دارد که سهم خود را پرداخت نماید تا همبستگی اجتماعی خود را نشان بدهد.

پس آنچه که اعضا دیگر آنرا دریافت می دارند همان کمک و تبرعی است که از جانب دیگر اعضا به افراد نیازمند (مصیبت دیده) پرداخت می شود. و آنچه که خود فرد متبرع و خیر بهنگام دچار شدن به مصیبت دریافت می دارد تبرع و کمک و اعانه دیگر اعضا به او می باشد.

س: حال این سؤال مطرح می شود که پرداخت سهم اعانه و تبرع نباید الزامی باشد در صورتی که اینجا الزامی است؟

ج: هیچ نوع الزام شرعی بر او نیست، چون او خود داوطلبانه مبادرت به این کار کرده، و کسی او را مجبور نکرده است؛ بلکه او دیانته بنا به وعده و تعهد اخلاقی که داده مطابق مذهب مالکيه ملزم به پرداخت آن است و این امر همان چیزی است که از یک مسلمان انتظار می رود که به آن عمل نماید.

جهالت فاحش و فریب در این نوع بیمه وجود دارد و همین امر مجهول برای فساد آن کافی است؟

ج: بیمه تعاونی از جمله تبرعات می باشد و جهالت فاحش و فریب و دریافت مبلغی زاید از وجه پرداختی، نه آنرا فاسد کرده، و نه در آن تأثیر می گذارد.^(۳)

هیئت علمای بلند پایه عربستان سعودی نیز در اتفاقیه شماره ۵۱ تاریخ ۴/۴/۱۳۹۷ با جواز بیمه تعادلی «تعاونی» بجای بیمه تجاری به دلایل زیر موافقت نموده اند و اضافه بر دلایل ذکر شده بالا به این دلایل نیز اشاره کرده اند.

۱- بیمه تعاونی از تمام انواع ربا (فضل و نسیه) خالی است، چون معاملات و قرار دادهای اعضای آن ربوی نبوده، و قصدشان سودآوری و انجام معاملات ربوی نیست.

۲- نامشخص بودن عواید و منافع بر اعضا، در این نوع بیمه مضر نیست چون آنان متبرع بوده، و فریب و قمار و خطر در آن وجود ندارد.

۳- بعضی از اعضا یا نمایندگان آنان جهت رشد و افزایش مبالغ سرمایه گذاری شده برای همیاری و مواسات به اعضا اقدام کرده تا به اهداف بیمه تعاونی (Mutual Insurance) جامه عمل بپوشانند خواه گردانندگان آن مجانی، یا در مقابل دریافت اجرت معین این کار را انجام دهند.^(۴)

حضرت مولانا مفتی محمد تقی عثمانی مدظله در مورد بیمه تعاونی می نویسند:

«در این باره هیچ اشکالی وجود ندارد و تمام علمایی که در مورد بیمه بحث کرده اند بر جواز بیمه تعاونی اتفاق نظر دارند»^(۵).

۳- المؤتمر السابع، منعقد در قاهره سال ۱۳۹۲ هـ

۴- اولین کنفرانس اقتصاد اسلامی، مکه مکرمه سان ۱۳۹۶ هـ

۵- دوره هفتم مجمع فقهی وابسته به سازمان رابطه العالم الاسلامی، سال

۱۳۹۸ هـ

۶- کمیته شرعی ناظر بر اعمال بانک اسلامی سودانی فیصل.

۷- اتفاقیه هیئت علمای بلند پایه عربستان، در اتفاقیه شماره ۱۳۹۹/۲/۳۰

۸- اتفاقیه مجمع فقهی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۴۰۶

۱- الفقه الاسلامی و ادلته: ۴۱۸۵/۶

۲- الفقه الاسلامی و ادلته: ۴۱۸۴/۶

۳- دراسة شرعية لأهم العقود المالية المستحدثة: ۴۷۷

۴- دراسة شرعية لأهم العقود المالية المستحدثة: ۶۰۴، ۶۰۳

۵- اسلام اور جدید معیشت و تجارت: ۱۶۲

با وجود این معظم له نسبت به «مطلق بیمه» می‌گویند چون پیرامون آن مستقلاً تحقیق نکرده‌ام از دادن حکم قطعی در مورد مطلق بیمه امتناع و خودداری می‌کنم.^(۱)

بیمه درمانی

مسئله علاج و درمان از نیازهای اولیه و مبرم هر انسان است، با پیچیده شدن علاج و گسترش و شیوع بیماریهای حاد و مزمن هزینه آنها نیز به صورت روز افزون و غیر قابل کنترلی رو به تصاعد و فزونی است و فرد مبتلای به آن «لا قدر الله» باید تمام مایملک و دارایی خود را فروخته تا بتواند خود را معالجه نماید یا اینکه در خانه بنشیند و با مرگ دست و پنجه نرم کرده و تماشای مرگ ذلت بار و بنیان بر افکن خود باشد، چون راهی دیگر برای تأمین هزینه علاج خود از راه کمکهای مدد خواهانه دولتی و مردمی نمی‌یابد و زمان هم به صورت غیر قابل توصیفی دستخوش تغییر و نبود مواسات و تکافل و تضامن و تعهد اخلاقی و اجتماعی نسبت به بشریت شده است، تنها راهی که به ظاهر آنهم به صورت ساده و سهل الوصول در این زمان در پیش روی انسان مصیبت زده قرار دارد همان بیمه کردن است تا حداکثر هزینه سنگین و گزاف درمان را از دوش خود تخفیف دهد؛ از سوی دیگر مشکلات شرعی بیمه هم راه او را مسدود کرده، و این وسوسه را به دنبال دارد که آیا اسلام بر انسانیت سخت گرفته است یا خیر؟ آیا تبصره هایی وجود ندارد که از آن در این مواقع حساس استفاده کرد؟

می‌خواهیم در این باره و در مورد بیمه درمانی آراء علماء را بیان کنیم شاید چراغی فرا راه نیازمندان قرار گیرد.

در دو شماره قبل این مسئله مطرح گردید که بیمه از لحاظ اصول و قواعد فقهی، چنین ظاهر می‌شود که جایز نیست، اما در این شماره می‌خواهیم بدانیم که در وقت ضرورت باز هم همان حکم را دارد یا نه؟

«بیمه درمانی کارمندان»

در کتاب «جدید فقهی مباحث» آمده است:

دولت... بر کارمندان خود بیمه زندگی و حیات یا بیمه درمانی را الزامی کرده است مبنی بر این که مقداری از حقوق و مستمریهای آنان را تحت عنوان حق بیمه کسر می‌کند، تا در صورت بروز حادثه دولت مبلغ مزبور را با

چند درصد اضافه به وارثان وی پرداخت نماید و اگر احیاناً زنده ماند در صورت بازنشست شدن، آن مبلغ را با اضافه مزبور به او بر می‌گرداند و این جایز است چون سود و قمار هیچکدام در آن یافته نمی‌شود، و در تعریف سود و قمار آمده که از هر دو جانب ضرورتاً مال گذاشته شود، که در اینجا از یک جانب مال و از جانب دیگر عمل است، پس نه سود است و نه قمار، بلکه جایز است.^(۲)

بحث ضرورت بیمه

س: آیا در وضعیت فعلی بیمه جایز است یا خیر؟

ج: حضرت مولانا حبیب الرحمن خیر آبادی مدظله مفتی دارالعلوم دیوبند می‌نویسند:

بیمه بنابه وجود امور نا جایز در آن، شرعاً نا جایز و حرام است. و بدون ضرورت شدید و بدون اجبار اقدام به بیمه کردن گناه بزرگی است. اما در (هندوستان... و یا کشورهای غیر مذهبی دیگری) که مال و جان مسلمانان در معرض تلف بوده و کمر به حیف و میل حقوق مسلمانان بسته شده، و مسلمانان در معرض چنان خطراتی قرار گرفته‌اند که نمی‌توانند مال و جان خود را حفاظت نمایند پس از فرط مجبوری حکم دیگری را می‌طلبند... و راهی جز بیمه کردن برای فرار از این مهلکه ندارند، یعنی: بدون بیمه حفظ جان و مال، عزت و آبرو، مشکل بوده و احتمال قوی می‌رود که خانواده‌ها دچار ضرر و نقصان شوند و با بیمه می‌توان غالباً آن را از خطرات احتمالی مصون نگهداشته، و نظام صحیح زندگی خانوادگی را قایم نگهداریم، در صورت وجود چنین جبر و ضرورت‌های شدید به قصد حفظ مال و جان و دفع مضرت، به اندازه نیاز و ضرورت بیمه کردن گنجایش وجود دارد. اما با این وجود این نیت محض آنان جلب منفعت نباشد.

و مفتی عبدالرحیم لاجپوری، مفتی نظام الدین، و مجلس تحقیقات شرعی ندوة العلماء لکهنو نیز درباره حالت‌های ویژه، رأی داده‌اند که به قصد دفع مضرت و رعایت دیانت بیمه گنجایش جواز را دارد. و کسی که می‌خواهد بیمه شود

۱- اسلام اور جدید معیشت و تجارت: ۱۶۳

۲- جدید فقهی مباحث، ۳۵۵/۴، مجمع فقهی هندوستان

با علما در این باره مشوره نماید.

و حکم فوق بر طبق قواعد فقهی زیر صادر می‌شود.

- ۱- الضرورات تبيح المحظورات
- ۲- الضرر يزال، ۳-
- المشقة تجلب التيسير
- ۴- الأمور بمقاصدها

قاعدة: الضرر يزال، الحرج مدفوع

مقصود از این قاعده اینست که به خاطر ضرورت ارتکاب محظور مجاز است، و مطلب از ضرورت، اکراه و اضطراب محض نیست بلکه رسیدن و وارد شدن ضرر و حرج نیز در ضرورت داخل است. چنانکه فقها برای دفع ضرر دروغ گفتن، رشوت دادن را اجازه داده‌اند در صورتی که یقیناً اضطراب نبوده، بلکه دفع ضرر محض است. البته برای جلب منفعت ارتکاب محظورات هرگز اجازه داده نشده است.

قاعدة: الأمور بمقاصدها

مدار حلت امور بسته به مقاصدند. پس اگر قصد از انجام این بیمه صرف دفع ضرر باشد جایز است، ولی اگر مقصد جلب منفعت باشد در آن صورت نا جایز است، لأن الأمور بمقاصدها.

قاعدة: الحاجة تنزل منزلة الضرورة عامة أو خاصة.

در شرح مجله آمده است: «و من هذا القبيل تجویز البيع بالوفاء لأنه لما كثرت الديون على اهل بخاری مسّت الحاجة الى ذلك و صار مرعياً» هذا المادة مأخوذة من الاشباه والنظائر.

«و يفهم منها ان بيع الوفاء كان ممنوعاً و قد جوّز بناء على الضرورة لأن استفاده المقرض زيادة عن بدل القرض ربا و ممنوع شرعاً، و بيع الوفاء من هذا القبيل غير جائز اصلاً و لكن حسب ما هو مذکور في هذه القاعدة قد اجتهدت الفقهاء، بناء على احتیاج اهل بخاری في ذلك الزمن تجویزه.»^(۱)

«حکم به جواز بيع وفاء از این قبیل مسایل است، زیرا وقتی دیون اهل بخاری خیلی زیاد شدند، مردم نیاز به بيع وفاء پیدا کردند و تجویز شد، و این ماده از اشباه و نظایر گرفته شده است.

از این عبارت فهمیده می‌شود که بيع وفاء ممنوع است، و بنابه ضرورت جایز قرار داده شده است چون استفاده مقرض از مقدار مبلغ اضافه از بدل قرض، ربا بوده، و شرعاً

ممنوع است. و بيع وفاء به اصله نا جایز است، اما مطابق آنچه که در این قاعده ذکر شده است فقها بنابه نیاز اهل بخاری در آن عصر سعی به جواز آن کرده‌اند.»

ضرورت اهل بخاری کجا؟! و ضرورت عمومی تمام مسلمانان کجا؟!!

«والحاجة التي من اجلها يجوز العقد المشتمل على الغرر، و لو كان كثيراً، (و هي ان يصل المرء الى حالة بحيث لو لم يتناول الممنوع يكون في جهد و مشقة، و لكنه لا يهلك يشترط فيها اذا تكون عامة أو خاصة بفتنة معينة، و ان تكون معينة. اما الحاجة العامة: فهي ما يكون الاحتياج فيها خاصاً بطائفة من الناس كأهل بلد او حرقة، كما تقدم.)^(۲)

نظائر جواز بیمه درمانی بخاطر ضرورت

در کتاب جدید فقهی مباحث به نقل از امداد الفتاوی، مسئله‌ای که از حضرت حکیم الامه مولانا اشرف علی تهانوی (رحمه‌الله) بیادگار مانده است که از وی سؤالی در مورد قبول کردن و پذیرفتن پستها و مناصب مشکوک و مشتبه دولتی نوشته شده است و ما آنرا در اینجا نقل می‌کنیم: سخن در مورد ضرورت است، و این مطلب مهم است که بدانیم، ضرورت عرفی دو قسم است:

۱- برای حصول منفعت دینی، دنیوی، شخصی باشد یا غیر شخصی (خود یا دیگران)

۲- برای دفع مضرت دینی یا دنیوی برای خود یا دیگران. باید دانست که برای تحصیل منفعت درست نیست، به عنوان مثال: استعمال داروهای حرام و مانند آن برای تحصیل نیرو و لذت.

اما برای دفع مضرت جایز است مشروط بر اینکه طبق قواعد صحیح و منصوص و روشن و یا بر پایه اجتهاد معتبری مبتنی باشد، و به آن ضرورت شرعی گفته می‌شود از قبیل اینکه: برای دفع مرض و بیماری استفاده از داروهای حرام، بشرط مفید واقع نشدن تجربی داروهای مباح، اما اگر داروهای مباح مفید هستند ضرورت متحقق نخواهد شد.

از تفصیل فوق دانسته می‌شود که این (موارد) فی نفسه

۱- درر الحکام: ۴۲/۱

۲- الفقه الاسلامی و ادلته: ۳۴۲۶/۵

در شرع حرام‌اند، و بعد از این اگر برای جلب منافع مالی و مناصب از آن استفاده شود به هیچ صورت جایز نیست.

ولی اگر برای دفع مضرت اختیار شوند، مثل این مسئله که بر امت مسلمان از جانب کفار (و دیگر هم کیشان آنان) سیل مضرت و مظالم سرازیر شود بر مسئولین امر (دولت اسلامی) لازم است اگر آنان را بطور قطع دفع نمی‌نمایند حداقل آنرا تقلیل و تخفیف دهند و این امر گنجایش جواز را دارد. بوادر التوادر: ۷۹۸/۲^(۱)

باز علامه حکیم الأمة (رحمه‌الله) در جایی دیگر می‌نویسند:

«این امر از قواعد شرعی مشهور است، که برای دفع اشدّ الضررین، اخف الضررین را می‌توان پذیرفت و تحمل کرد، و از طرفی دیگر این قاعده نیز وجود دارد که برای جلب منفعت، نمی‌توان ضرر دینی را تحمل کرد.

در این صورت باید اندیشید که اگر این مسئله را اختیار نکنیم به خودمان یا عموم مسلمانان غالباً ضرر شدید وارد می‌شوند یا نه؟

در صورت دوم: پذیرش آن جایز است.

و در صورت اول: نگاه شود که نیت و قصد شخص دفع ضرر است یا جلب منفعت مالی و یا جاه و مقام.

باز در بخش اول (که دفع ضرر را قصد داشته باشد) گنجایش جواز را دارد و در بخش دوم نا جایز است. بنابراین از همه سه صورت فوق یک صورت جواز دارد^(۲)

از جواب حضرت علامه حکیم الأمة (رحمه‌الله) و اصول پیشنهادی چنین فهمیده می‌شود که بیمه چون شامل امر حرام مثل: قمار می‌باشد حرام است: لیکن با مد نظر قرار دادن ضرورت فعلی جامعه ما برای دفع ضرر عام بیمه (از آنجمله بیمه درمانی که هیچ فردی از آن مستغنی نیست) جایز قرار داده شود مشروط بر اینکه قصدمان دفع مضرت باشد نه جلب منفعت، که ضرورت آن کمتر از ضرورت بیع و فاء برای جامعه ما نیست.

و این را هم باید دانست که هزینه‌های درمانی آنقدر سنگین و طاقت فرسا و کمر شکن شده‌اند که ممکن است انسان برای تأمین آنها برای همیشه و به یکبارگی تمام دار و ندارش از زمین گرفته و اماکن تجاری و یا اسباب خانه را از دست بدهد و طبق قاعده «الضرر یزال، والحرَج مدفوع، الضرورات تبيح المحظورات. الحاجة تنزل منزلة الضرورة»

عامه أو خاصة» جواز آن توجیه پذیر است، مگر اینکه ما اساس بیمه را به صورت نمادین و بنیادین تغییر بدهیم که این برای ما در جامعه کنونی امکان‌پذیر نیست (ولی باید تلاشمان این باشد تا به آن دست یابیم).

نظر فوق مؤید به نظر علمای بزرگ و بلند پایه سرزمین هند نیز می‌باشد که آراء آنان به اختصار نقل می‌شود.

۱- حضرت مفتی محمود الحسن (رحمه‌الله) می‌نویسند: «اگر فردی در چنان جامعه و محیطی قرار دارد که نمی‌تواند بدون بیمه از جان و مال خود حفاظت نماید یا اینکه مطابق با قانون مجبور به بیمه شود درست است.»^(۳)

۲- حضرت مفتی عبدالرحیم صاحب می‌نویسند: «با مد نظر دادن قاعده الضرر یزال، در موارد خطر اشیاء جواز بیمه گنجایش دارد.»^(۴)

۳- حضرت مفتی نظام الدین می‌نویسند: «در حالت جبر شدید مثل لزوم قانونی (از قبیل بیمه درمانی کارمندان دولت، شرکتها، صنایع، کارخانجات، کارگاهها) یا اوضاع حاکم بر جامعه آنقدر فاسد باشد که بدون بیمه حفظ مال و جان مشکل است، بنابراین جبر موجود به اندازه نیاز بیمه گنجایش جواز دارد.»^(۵)

۴- مطابق جبر و ضرورت فوق عده بی شماری از علما و مفتیان دارالعلوم دیوبند به تعداد ۲۵ نفر به جواز بیمه فتوای داده‌اند که در کتاب «ملک کی موجود، حالات مین بیمه کا شرعی حکم: صفحه ۵ آمده است.»^(۶)

«شرایط جواز بیمه در صورت وجود عوارض»
پیش از این مطرح شد که بیمه فی نفسه جایز نیست، ولی در این توضیحات چنین آمد که بنابه حالات و عوارض به ضرورت جواز پیدا خواهد کرد، اما این جواز ضروری مبتنی بر شرایطی است که از کلام ائمه و فقها استنباط

۱- جدید فقہی مباحث: ۴۶۸/۴، به نقل از امداد الفتاوی، اشرفعلی

تهانوی،

۲- امداد الفتاوی، التهانوی: ۴۳۰/۳، شماره سؤال: ۴۳۹

۳- فتاوی محمودیه: ۲۴۰/۴

۴- فتاوی رحیمیة: ۱۳۳/۶

۵- نظام الفتاوی: ۳۲۷/۱

۶- جدید فقہی مباحث: ۴۶۸، ۴۶۹/۴

می‌شود و آن شرایط ناشی از اصول متفق فقهی است و عبارت از «المشقة تجلب التيسير، الضرر يزال، العرج مدفوع، الضرورات تبيح المحظورات» می‌باشد.

و این هم معلوم و مشخص است آنچه که این اصول از ما می‌خواهد اینست که ارتکاب محظورات وقتی مباح می‌شود که عمل نکردن به محظور مستلزم ضرر و حرج باشد و این محظور بطور جدی وسیله مؤثر دفع ضرر و حرج است و غیر از آن راه مؤثر دیگری برای دفع حرج و ضرر که قابل به عمل باشد وجود نداشته باشد (که اینجا نیز چنین است، شاید بیمه نکردن از ایجاد جایگزین شایسته‌ای راحت‌تر باشد).

فقه‌های کرام رحمهم الله تعالی بهنگام ضرورت استعمال داروهای حرام را با شرایط فوق به دچار شدن مرض و مضرت باشد، و حصول شفاء با داروهای حرام یقینی یا اغلبی است و غیر از آن داروی حلالی مفید نباشد) جایز دانسته‌اند. و فی الدر المختار:

«اختلف في التداوي بالمحرم، و ظاهر المذهب المنع، و قيل يرخص اذا علم فيه الشفاء و لم يعلم دواء آخر»^(۱)

و در تحت آیه اضطرار حضرت علامه فقیه النفس مفتی محمد شفیع دیوبندی (رحمه‌الله) در تفسیر معارف القرآن بحثی اصولی پیرامون شرایط استفاده از داروهای حرام را به صورت زیر مرقوم می‌دارند که ترجمه آن چنین است.

«از آیه ذکر شده ثابت شد شخصی که جان او بر اثر مرض در خطر هلاکت قرار دارد به خاطر نجات جان خود از داروهای حرام می‌تواند استفاده کند لیکن از فحوی آیه ذکر شده شرایطی چند مستفاد می‌گردد.

۱- حالت اضطرار و بیم و خطر هلاک جان باشد که این حکم شامل بیماری ساده و معمولی نمی‌گردد.

۲- جز داروی حرام چیز دیگری در علاج مؤثر واقع نگردد یا اینکه وجود نداشته باشد و در دسترس او قرار نباشد.

۳- با استفاده داروهای حرام نجات نفس و بهبودی مرض یقینی باشد، اگر دارو مفید باشد ولی شفای یقینی نیست استفاده از داروی حرام جایز نخواهد بود.

۴- به قصد نجات جان و بهبودی باشد نه تلذذ.

۵- به اندازه ضرورت باشد نه زاید از آن.^(۲)

و حضرت حکیم الأمة مولانا اشرف علی

تهانوی (رحمه‌الله) در مورد جواز پذیرش مناصب و پستهای نا جایز دولتی سه شرط را ذکر می‌نمایند.

۱- قطعاً نپذیرفتن مناصب و پستهای دولتی برای مسلمانان غالباً حرج و ضرر شدید را به دنبال داشته باشد.

۲- با پذیرفتن این پست ظن قطعی دفع ضرر و حرج باشد.

۳- قصد متقاضی این پست و منصب دفع ضرر باشد نه حصول منفعت، در غیر این صورت جایز نخواهد بود.^(۳)

خلاصه شرایط جواز بیمه

از بحثهای اصولی گذشته فقها و محققان (با وجود نا جایز بودن اصل بیمه) شرایط جواز بیمه واضح می‌گردد که بدون آنها جواز بیمه مشکل به نظر می‌آید.

۱- به گمان غالب بیمه نکردن مستلزم ضرر و حرج بر مسلمانان باشد.

۲- به گمان غالب با بیمه شدن ضرر و حرج دفع می‌شود.
۳- راهی دیگر جز بیمه وجود نداشته باشد، یا غیر ممکن باشد.

۴- به قصد دفع مضرت باشد نه جلب منفعت.^(۴)

حال، آیا با وضعیت حاکم بر جامعه و عموم بلوی و رعایت حال قشر محروم و فقیر و درمانده، واقعاً هزینه‌های درمان کمر شکن می‌باشد یا خیر؟ آیا جواز بیمه را توجیه می‌کنند یا نه؟ آیا اگر بیمه نکند متحمل حرج و سردرگمی و تحیر می‌شود یا خیر؟ آیا مجبور نخواهد بود که اموال و دارایی اساسی خود را بفروشد یا اینکه همینطور نگاه کند و منتظر مرگ تلخ و ذلت بار شود و با مرگ دست و پنجه نرم کند تا جان به جان آفرین تسلیم نماید. آیا ضرورت بیمه نسبت به طین الشارع و بیع و فاء و غیره که فقهاء احناف - جزاهم الله خیراً- آنرا جایز و پاک دانسته‌اند از اعتبار کمتری برخوردار است که ابتلای عام و مشقت آن از بیع و فاء و طین الشارع به مراتب بیشتر است.

۱- الدر المختار، قبیل فصل فی البئر: ۱۵۴/۱

۲- معارف القرآن: ۴۲۶/۱، احکام القرآن، جصاص: ۱۲۷، ۱۲۹/۱

تفسیر احمدی: ۴۲

۳- امداد الفتاوی: ۳/۳۳۰

۴- جدید فقهی مباحث: ۴/۴۷۱، ۴۷۰، ۴۶۹

بنابراین در چهار چوب شریعت و رعایت شرایط سابق می‌توان بیمه درمان گرفت. در آخر این بحث لازم است که یادآور شویم: در کنفرانس فقهی هند منعقد در تاریخ ۳ تا ۶ جمادی الأولى ۱۴۱۳ هـ ق برابر با ۳۰، ۳۱، ۳۲ و ۳۱ اکتبر و ۲ نوامبر ۱۹۹۲ میلادی در دانشگاه رشاد اعظم گده پیرامون مسایل فوق و ضرورت مسلمانان به بیمه، و در مورد فتوای صادره از دارالافتاء دیوبند و مصوبه مجلس تحقیقات شرعی لکهنو مفصل بحث کرده، و در آخر چنین نتیجه‌گیری نموده‌اند که بیانگر این است وضعیت فعلی حاکم بر جامعه مسلمانان را درک کرده و اتفاقیه زیر را با امضای ۵۳ نفر از اجله علما از جمله حضرت مولانا نعمت الله و مولانا حبیب الرحمن، مولانا محمد ظفیرالدین، حضرت مولانا محمد راشد، حضرت مفتی اقبال احمد از دارالعلوم دیوبند و حضرت مولانا برهان الدین سنهلی، مولانا عتیق احمد قاسمی از ندوة العلماء لکهنو و از حیدر آباد علامه محقق مولانا خالد سیف الله رحمانی و مولانا مجاهد الاسلام قاسمی ریاست مجمع، مدظلهم العالی به تصویب رسید و این مصوبه به قرار زیر است:

«بیمه مروج گر چه از دیدگاه شریعت نا جایز است به دلیل اینکه مشتمل بر ربا و قمار، غرر، و معاملات ممنوع می‌باشد، لیکن بنابر وضعیت حاکم بر هند که مسلمانان از امنیت جانی و مالی و صنایع و تجارت و غیره برخوردار نبوده، هر لحظه در آستانه متضرر شدن و لحوق خطر قرار دارند.

پس با مد نظر قرار دادن قاعده «الضرورات تبيح المحظورات، به دفع الضرر، دفع الحرج، و اهمیت شرعی حفظ جان و مال، بیمه کردن شرعاً جایز است»^(۱)

جایگزین شایسته

بهترین جایگزین شایسته بیمه، بیمه تعاونی است تا اینکه اصول تعامل اسلامی محترم بمانند.^(۲)

لازم است برای پیاده کردن بهترین جایگزین یعنی بیمه تعاونی به صورت زیر عمل شود تا مفید واقع شود.

۱- مقید و ملزم به اتخاذ روش عملی اقتصادی سالم اسلامی از طریق مشارکت عمومی افراد و اداره و عهده‌دار شدن مسئولیت برنامه‌های مختلف اقتصادی آن، یعنی به صورت مؤسسه‌ای تقریباً خصوصی زیر نظر و اشراف هیئت از علما آشنا به مسایل آن.

۲- خود را ملزم به پیاده کردن فکر تعاونی محض نمایند و تمام طرحهای آن در اجرا و طرح و اداره به عهده خیرین و یا نمایندگان آنان باشد.

۳- آموزش عمومی و آماده کردن اذهان عمومی مردم جهت عضو شدن و سهام شدن در اداره و جلب کمکها و اعانات، و ایجاد روح همکاری تا این امکان فراهم شود که به دیگران کمک کرده و ثواب ببرند و خود نیز از خطرات احتمالی مصون گردند.

۴- اداره مربوطه حداکثر ساده و سهل بوده، و از روش اجرایی و پیچیده‌ای برخوردار نباشد، و جایگزینهای خوب دیگری که عالم ربانی دکتر عبدالطیف فرفور بجای بیمه پیشنهاد کرده‌اند ذکر می‌کنیم.

۱- تأسیس بانک توسعه اسلامی و اخذ تعهد از مشترکین مبنی بر دریافت زکات سرمایه هایشان توسط بانک و آنها را به حساب صندوق زکات واریز کرده تا آنها را به مصرف نیازمندان برسانند.

۲- تأسیس صندوق زکات از اموال بانک یاد شده، و بجای اینکه آنها را فوراً به مصرف فقرا برسانند آنها را سرمایه‌گذاری کرده و افرادی مستمری بگیر آنها را تجارت کرده و سود حاصله را به مصرف فقرا برسانند.

۳- افراد خیری داوطلبانه سرمایه اولیه صندوق زکات را تأمین کرده و حق استرداد آنها را از خود سلب نمایند. و ده یا پنج سال بعد که در سرمایه سود بدست آید حق فقرا را به آنان از اصل سرمایه پرداخت کرده و سود را با بقیه وجوه تبرعات جهت سود آوری گذاشته، تا صندوق جدیدی ناشی از صندوق زکات ایجاد می‌شود. بنابراین صندوق خیریه شاید بهترین نوع جایگزین برای بیمه باشد که شایستگی رهنیدن زندگی فقرا و مساکین و نیازمندان و آسیب دیدگان متبرع و غیره را از فلاکت دارد.^(۳)

هذا و ماکتبه بفضل الله و عونه و هو المسدد الى الصواب

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم

۲۶ ربیع الاول ۱۴۲۰ هـ ق

۱- اهم فقهی فیصلی: ۴۳، ۴۴، ۴۵

۲- دراسة شرعية لأهم العقود المستحدثة: ۶۰۸

۳- ابحاث فی الاقتصاد المعاصر: ۸۳